

با سلام و عرض ادب خدمت استاد خوبی ها آقای شهبازی عزیز.

خدا را صد هزار مرتبه شکر می کنم به خاطر وجود این برنامه و مولانای جان و خودتان. اگر بخواهم از گذشته ام بگویم پر از پستی و بلندی هاست... اما می خواهم از اکنون بگویم.. از این لحظه که شادی و آرامش عشق خداوند و ایمان به لطف او به زندگیم آمده... دوستان گنج حضوری: من بارها سختی های زندگیم را به گردن دیگران انداختم و همه را مقصر کردم به جز خودم را.. اما از ۱۰ ماه پیش که با این برنامه بی نظیر آشنا شدم کم کم شعرها را گوش کردم.. با جان و دل کار کردم.. گاهی ایستادم و گاهی افتادم.. اما تسلیم من ذهنی نشدم.. هر وقت همسرم با من دعوا می کند فضا را باز می کنم و سکوت مطلق... او هم دیگر فهمیده حنای من ذهنی دیگر رنگی ندارد... خدا لحظه به لحظه منتظر ما است.. بارها از او طلب آگاهی کردم.. و او به من راه رانشان داده... این شعر را هر روز زمزمه می کنم...

نیست کسبی از توکل خوبتر
چیست از تسلیم خود محبوبتر
مثنوی، دفتر اول، بیت ۹۱۶

نمی دانم خدا به من و دوست عزیزم چه لطف بزرگی کرد که ما را در این مسیر زیبا قرار داد...
ای مهربانترین مهربانان.. ای بخشنده. ای لطیف... باز هم به کمکت نیازمندیم.... لطف خودت را شامل همه دوستان و من و دوست عزیزم کن...
بارها به خودم می گویم.. خاطره مگر تو لیاقت زنده شدن نداری؟؟ خدا را دریاب و از او کمک بطلب... برای خوشبختی فرزندان... برای آگاهی آنها و آگاهی خودت... خدا محافظ همه است.. اگر تو به او اعتماد کنی... قبلا خودم را لایق زنده شدن به خدا نمی دانستم... از خدا کمک خواستم.. فضا گشایی کردم و او شعرهایی از برنامه ها را جلوی چشمم آورد که هرگز حس حقارت و ضعف نکنم 😊.. چگونه می توانم از خدایی که این همه به فکر من است تشکر نکنم و اعتماد نکنم؟... خدایا شکر
دوستان گنج حضوری. بسیار از متن های زیبایتان فیض می برم... ممنون... آقای شهبازی ممنون... به خدا می سپارمتون.
مربوط به برنامه ۸۹۸ گنج حضور.

خانم خاطره از یزد